



دکتر رضا ماحوزی، استاد فلسفه از آینده دانشگاه در ایران می گوید

هوش مصنوعی همکار انسان یا رقیب پنهان؟

انعطاف باید اصل اول دانشگاه باشد

هوش مصنوعی

مهدیه سادات نقیبی
خبرنگار

در عصری که هوش مصنوعی مرزهای دانش را جابه‌جا می‌کند، دانشگاه‌ها در تقابلی سخت میان هویت سنتی و آینده‌ای ناشناخته گرفتار شده‌اند به طوری که برای بسیاری سؤال پیش آمده که آینده آموزش عالی زیر سایه فناوری‌های هوشمند چه می‌شود؟ آیا دانشگاه می‌تواند همپای تحولات دیجیتال، استقلال و اصالت خود را حفظ کند؟ یا این موج خروشان تکنولوژی، هویت چندقرن

آموزش عالی را به چالش می‌کشانند؟ برای بررسی «آینده دانشگاه در ایران» با دکتر رضا ماحوزی، استاد فلسفه و عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم به گفت‌وگو نشستیم. او که در زمینه «فلسفه آموزش» و «فلسفه دانشگاه» تحقیقات مبسوطی دارد و در این زمینه کتاب «دانشگاه: تأملات نظری و تجربه ایرانی» را تدوین کرده، معتقد است هوش مصنوعی نه یک تهدید، بلکه فرصتی طلایی برای بازتعریف دانشگاه ایرانی است؛ دانشگاهی که باید میان انعطاف برای نوآوری و پاسداری از تنوع فرهنگی، راهی نو بگشاید. او در این گفت‌وگو، تصویری روشن از آینده‌ای ترسیم می‌کند که در آن دانشگاه ایرانی باید به بلندترین نسخه خود تبدیل شود تا در گرداب فناوری، استقلال و هویت خود را گم نکند.

جناب دکتر ماحوزی، با گسترش هوش مصنوعی «آینده دانشگاه در ایران» را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هوش مصنوعی برای دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی پدیده‌ای تازه و غریبه نیست. در جهان امروز، شرکت‌های مختلف و مراکز تحقیقاتی همزمان با دانشگاه‌ها در حال تولید دانش و فناوری هستند و عمده پیشرفت‌های هوش مصنوعی نتیجه تلاش‌های مشترک این مجموعه‌هاست. اما دانشگاه نیز میدان را خالی نکرده و همچنان نقش کلیدی در تربیت نیروی انسانی متخصص و پیشبرد پژوهش‌های بنیادی دارد. در دانشگاه‌های جهان، استادان و دانشجویان در حوزه هوش مصنوعی آموزش می‌بینند و پژوهش می‌کنند. به همین دلیل آینده دانشگاه و هوش مصنوعی در ایران بسیار امیدوارکننده است. هوش مصنوعی نه فقط یک فناوری کمکی برای آموزش، بلکه ابزاری برای ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش است. این فناوری می‌تواند به حل مشکلات موجود کمک کند، به استادان و دانشجویان ابزارهای جدیدی برای یادگیری و پژوهش بدهد و زمینه‌آشنایی با موضوعات جدید، روش‌های نوین تدریس و تعامل بهتر بین دانشجو و استاد را فراهم کند.

هوش مصنوعی، نقش دانشگاه در تربیت نیروی انسانی را کم‌اثر خواهد کرد یا اینکه دانشگاه قادر است متناسب با تحولات روز، نقش خود را بازتعریف کند؟

هوش مصنوعی فناوری همواره در حال توسعه است و در واقع توسعه ظرفیت‌های ذهنی و زیستی انسان را هدف قرار داده است. انسان هوش مصنوعی را ساخته تا بهتر و دقیق‌تر فکر کند، یاد بگیرد و عمل نماید. بنابراین هوش مصنوعی رقیب یا جانشین انسان نیست، بلکه کمک‌کار او است. با ورود هوش مصنوعی، شیوه‌های جدیدی برای تربیت نیروی انسانی در دانشگاه‌ها شکل می‌گیرد و این موضوع دانشگاه‌ها را وادار به بازتعریف روش‌ها و ساختارهای آموزشی خود می‌کند. در برخی

دانشگاه‌ها، کارگاه‌های صنعتی هوشمند با بهره‌گیری از فناوری‌های هوش مصنوعی برگزار می‌شود و دانشجویان با این فناوری‌ها آشنا و برای بازار کار آماده می‌شوند. بنابراین هوش مصنوعی نه تنها نقش دانشگاه را کم‌اثر نمی‌کند بلکه آن را ارتقا می‌بخشد و حوزه‌های نوینی را برای آموزش و پژوهش می‌گشاید.

ایده «فلسفه آموزش ایرانی» که شما مطرح کرده‌اید، چطور می‌تواند دانشگاه‌های ما را از چالش‌های هویتی و ساختاری گذر دهد؟

به جای «بحران هویت» باید از «تنوع هویتی» دانشگاه‌های امروز بگوئیم. تکنولوژی، خصوصاً اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی باعث شده هویت‌های جدید و متنوعی شکل گیرد که این پدیده در سطح جهانی مشهود است. فناوری به خرده‌فرهنگ‌ها، صدا بخشیده و زمینه تولد جریان‌های فرهنگی و فکری نوین را فراهم کرده است. بنابراین فلسفه آموزش ایرانی باید این تنوع هویتی را به رسمیت بشناسد و به آن پاسخ دهد. این فلسفه باید توان تبیین جامع و فراگیر این تنوع را داشته باشد تا نسبت میان آموزش عمومی و آموزش عالی با این تنوع تعیین شود. همچنین «فلسفه آموزش ایرانی» باید پیوند میان سطوح مختلف آموزشی مثل مهدکودک، ابتدایی، متوسطه و دانشگاه را منسجم کند تا فرهنگ پایدار و هماهنگ شکل گیرد. دانشگاه‌ها نیز علاوه بر مسائل محلی، باید به فرهنگ ملی و بین‌المللی توجه کنند و نقش مهمی در پیوند جامعه محلی با جهان بزرگ‌تر داشته باشند.

«مسئولیت اجتماعی دانشگاه چیست؟ همین که به نیازهای کوتاه‌مدت بازار و دولت پاسخ دهد، کافی است؟

مسئولیت اجتماعی دانشگاه یک نوع حکمرانی در نظام دانشگاهی است که هدف آن ایجاد پیوند هوشمند و جامع میان آموزش، پژوهش، مهارت‌آموزی و هویت

دانشگاهی با مسائل و چالش‌های محلی و ملی است. این مفهوم نباید به معنای انجام فعالیت‌های اضافی یا خیریه‌ای تعبیر شود، بلکه دانشگاه بخشی از نظام حکمرانی کلان کشور است که اهداف مشخص و راهبردی دارد. دانشگاه باید استقلال و آزادی داشته باشد تا نسبت خود با جامعه و سازمان‌های بیرونی را تعریف کند و این نسبت توسط گفتمان‌های اجتماعی و اسناد بالادستی حمایت شود. در این صورت هویت دانشگاهی که شخصیت دانشگاه و اعضای آن را شکل می‌دهد، تقویت می‌شود و دانشگاه می‌تواند ارتباط مؤثر و متعادل با جامعه برقرار کند.

آیا می‌توان میان نقش انتقادی دانشگاه و الزامات بازارمحور آن تعادل برقرار کرد؟

«منطق دانشگاه» باید با «منطق بازار» متفاوت باشد. دانشگاه، فضایی برای تحقیق، نقد، آموزش و بر سود و تجارت تمرکز دارد. البته دانشگاه می‌تواند از بازار حمایت کند، اما نباید استقلال خود را از دست بدهد و به بازاری صرف بدل شود. دانشگاه باید مسیرهای معقول پیش‌رو را تعیین و برخی رویه‌های بازار را نقد کند. دانشگاه می‌تواند در افقی بزرگ‌تر نقش‌آفرینی کرده و نسبت به سیاست‌ها و مناسبات میان بازار، دولت، فرهنگ، آموزش و محیط‌زیست موضع‌گیری کند و

به نفع منافع عمومی عمل نماید. برخی معتقدند دانشگاه‌های ایران میان «توسعه‌گرایی» و «تربیت فرهنگی» سرگردانند. آیا شما با چنین تحلیل‌هایی هم‌دل هستید؟

اول باید پرسید اولویت کلان نظام سیاسی و اجتماعی کشور چیست؛ «توسعه اقتصادی» یا «تربیت فرهنگی»؟ دانشگاه بخشی از جامعه است و هرگونه بلاتکلیفی و تضاد در جامعه به دانشگاه هم منتقل می‌شود. حتی اگر دانشگاه خواهان استقلال باشد، تأثیرپذیری آن از جامعه غیرقابل اجتناب است. بنابراین دانشگاه باید با حفظ استقلال، به تعادل میان «توسعه اقتصادی» و «تربیت فرهنگی» بیندیشد و این دورا در مسیر توسعه پایدار کشور هماهنگ کند.

برای رسیدن به چنین تعادلی چه باید کرد؟

دانشگاه به تعبیری بر بوردیی، جامعه‌شناس فرانسوی، میدانی پیچیده و پویاست که تغییر در هر نقطه آن واکنش‌هایی در سایر بخش‌ها ایجاد می‌کند. این بخش‌ها با نهادهای بیرونی مرتبط‌اند و باید نهادهای پشتیبان بیرونی در فرآیند سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها وارد شده و سپس نقش ذی‌نفعان اصلی دانشگاه به وضوح مشخص شود تا تصمیمات جامع‌تر و اثربخش‌تر اتخاذ گردد.



برش

اگر بخواهیم تصویری آینده‌محور و واقع‌گرایانه از دانشگاه ایرانی داشته باشیم، مهم‌ترین مؤلفه‌های آن چیست؟

اگر منظور از دانشگاه ایرانی، دانشگاهی است که به مسائل جامعه ایران می‌پردازد و پاسخگوی نیازهای آن است، این امر معقول و منطقی است. اما اگر منظور تثبیت یک هویت واحد بدون پذیرش تنوع زبانی، فرهنگی، قومی و دینی باشد، این رویکرد قابل دفاع نیست. تجربه یک قرن آموزش عالی در ایران نشان داده که باید از تنوع و دگرگونی‌های جامعه درس بگیریم. تکنولوژی‌های هوشمند و به خصوص هوش مصنوعی با سرعت وارد دانشگاه‌ها خواهند شد. بنابراین «انعطاف» باید اصل اول دانشگاه‌ها باشد؛ انعطافی که تنوع را به رسمیت بشناسد و آن را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها لحاظ نماید. دانشگاه آینده، دانشگاهی است که هویت‌های گوناگون را بپذیرد، پژوهش‌های کاربردی و بنیادی را همزمان دنبال کند و ارتباطات بین‌المللی و فرهنگی را گسترش دهد.

«ایران» گزارش می‌دهد

مؤدی مداری؛ راهی به سوی کارآمدی و عدالت مالیاتی

در شرایط کنونی ایران که دولت‌ها بیش از هر زمان دیگری به درآمدهای مالیاتی پایدار و مقاومت‌پذیر تکیه دارند، ارتقای کیفیت رابطه میان سازمان امور مالیاتی و مودیان نقش کلیدی در موفقیت نظام مالیاتی کشور ایفا می‌کند. راهبرد مؤدی‌مداری به عنوان یک سیاست بنیادین در دوره جدید مدیریتی سازمان امور مالیاتی با جدیت دنبال می‌شود و این سیاست نه یک شعار بلکه رویکردی ساختاری و نتیجه‌گراست که ریشه در اصلاح فرآیندهای اداری، بهبود نظام پاسخگویی و توسعه رضایت عمومی دارد.

محمد‌هادی سبحانی، رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، بارها در سخنرانی‌های خود تأکید کرده که «ما تحقق اهداف بزرگ اقتصادی را صرفاً در گرو اجرای سیاست‌های قهریاتی و اجبار نمی‌بینیم؛ امروز مهم‌ترین سرمایه ما اعتماد و رضایتمندی مردم از نظام مالیاتی است. بر همین اساس مؤدی‌مداری باید به یک فرهنگ غالب بدل شود نه یک برنامه مقطعی. باور داریم که هرچه سطح شفافیت، اطلاع‌رسانی و تکریم حقوق مودیان بالاتر برود، تمکین داوطلبانه،

مشارکت و سرمایه اجتماعی سازمان نیز بیشتر می‌شود.» سازمان امور مالیاتی در راستای تحقق شعار تحول‌آفرین «مؤدی‌مداری» اقدامات گوناگونی را طراحی و اجرا کرده است؛ از توسعه دولت الکترونیک و حذف مراجعات غیرضروری و زمان‌بر حضوری، تا استقرار میزخدمت، آموزش همگانی و توسعه پاسخگویی چندلایه به مطالبات و اعتراضات مودیان.

در همین خصوص مهدی موحدی‌بکنظر، معاون سازمان امور مالیاتی گفت: «پایه‌سازی هوشمند مؤدی‌مداری فقط در سطح مدیران کافی نیست؛ باید رفتار کارشناسان و کارمندان با مردم تغییر کند. اصلاح نگاه اجرائی و کاهش سلیقه‌گرایی شرط موفقیت ماست. کارکنان حداثفصل مهمی‌میان مردم و سازمان قرار دارند و دغدغه احترام، آموزش، و اجرای یکسان قوانین برای ما جدی است.»

امروز با راه‌اندازی سامانه‌ها و درگاه‌های الکترونیک مانند «درگاه ملی خدمات مالیاتی»، حجم عظیمی از فرآیندهای مربوط به اظهارنامه‌ها و تعاملات بین مردم و سازمان به صورت غیرحضوری و ۲۴ ساعته انجام می‌پذیرد؛ امری که کاهش

چشمگیر مراجعات حضوری، کاهش فساد اداری، بالا رفتن شفافیت درخواست‌ها و تسریع در انجام امور را حاصل کرده است. سبحانیان در این خصوص گفته که «بزرگ‌ترین دستاورد مؤدی‌مداری، افزایش شفافیت، تسریع خدمت‌رسانی و کاهش برخورد‌های سلیقه‌ای در سراسر کشور است. امروز مودی می‌تواند بدون دغدغه، هر مرحله از فرآیند مالیاتی را دقیق، لحظه‌ای و مستند، پیگیری کند؛ این همان اعتمادی است که به تدریج به وجود می‌آید و پایداری نظام مالیاتی را تضمین می‌کند.»

همچنین یکی از نقاط قوت جدی، تعبیه‌ی بسترهای سریع و مؤثر برای ثبت نظرات، انتقادات و شکایات مودیان است که به سازمان اجازه می‌دهد ضمن روندها و فرآیندهای خود را اصلاح یا بهبود بخشد.

موحدی‌بکنظر با تأکید بر این‌بخش عنوان می‌کند: «در گذشته فقدان یک ساختار پاسخگو باعث تجمع اعتراضات و شکل‌گیری نگاه منفی می‌شد؛ اما امروز الکترونیکی شدن فرآیندها و طراحی سازوکارهای پایش رضایت

کارشناس حوزه اقتصادی مطرح کرد

نقش گسترده حسابرسی سیستمی در تحقق عدالت مالیاتی

یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه اجرای طرح سیستم حسابرسی مالیاتی، موجب افزایش اعتماد مودیان مالیاتی و شفافیت خواهد شد، گفت: سیستم حسابرسی مالیاتی یکی از اقدامات مؤثر در حوزه برقراری عدالت مالیاتی است که از سال گذشته راه‌اندازی و زمینه‌ساز بهبود وضعیت مالیاتی کشور شده است.

امیر محمدی، کارشناس مسائل



آینده دانشگاه و

هوش مصنوعی

در ایران بسیار

امیدوارکننده

است.

هوش مصنوعی

نه فقط یک

فناوری کمکی

برای آموزش

بلکه ابزاری

برای ارتقای

کیفیت

آموزش و

پژوهش است.

این فناوری

می‌تواند به

استادان و

دانشجویان

ابزارهای

جدیدی برای

یادگیری و

پژوهش بدهد

و زمینه‌آشنایی

با موضوعات

جدید و

روش‌های

نوین تدریس را

فراهم کند



کارکنان و مودیان خواهد بود.

اگر این مسیر ادامه یابد، همتانطور که رئیس کل سازمان بیان کرده: «در آینده‌ای نه‌چندان دور، نگاه مردم نسبت به سازمان امور مالیاتی و عملکرد آن به گونه‌ای تغییر خواهد کرد که این سازمان، از یک دستگاه مطالبه‌گر، به الگوی برای شفافیت، عدالت و مشارکت در توسعه ملی تبدیل شود.»

نقطه مطلوب نرسیده‌ایم و همچنان مسیر طولانی پیش رو داریم. اما قطعاً خود را متعهد می‌دانیم که آمارها هر سال بهتر شده و رضایت مردم از سازمان پیوسته افزایش یابد. «در نهایت باید گفت، راهبرد مؤدی‌مداری یک مسیر بی‌پایان و فرآیندی زمان‌بر است که همواره نیازمند اصلاح ساختارها، نوسازی نرم‌افزاری، بازنگری رویه‌های اجرائی و آموزش مستمر

پایش آماری سازمان امور مالیاتی نشان می‌دهد که متوسط زمان رسیدگی به درخواست‌های الکترونیکی مودیان نسبت به دو سال گذشته کاهش چشمگیر داشته و اکنون درصد بالایی از مراجعه‌شوندگان به پاسخ کامل رسیده‌اند. بااین حال، رئیس سازمان امور مالیاتی در نشست‌های اخیر وضعیت را کاملاً مطلوب ندانسته و گفته است: «ما به

از روش‌های نوین و هوشمند، عدالت در روند رسیدگی به امور مالیاتی اجرا می‌شود.وی ادامه داد: با اجرای طرح سیستم حسابرسی مالیاتی دیگر بساط بی‌عدالتی در اخذ مالیات برچیده و نظام ممیزمحور پایان خواهد یافت و نظام مالیاتی دادمحور و با امکان فراهم آوردن زمینه اخذ مالیات از فراریان مالیاتی، کمک بزرگی به رشد اقتصادی کشور خواهد کرد.

این کارشناس اقتصادی افزود: با اجرای این طرح شاهد آن خواهیم بود که میزان درآمدهای مالیاتی در این بخش افزایش و به‌طور قطع شاهد بهبود وضعیت اقتصادی در کشور خواهیم بود. محمدی در پایان خاطرنشان کرد: در آینده اجرای این طرح زمینه‌ساز آن خواهد شد که کاغذ بازی‌های اضافی و بوروکراسی‌های اداری حذف و به سمت هوشمند سازی خواهیم رفت.

